

رشته حقوق بشر در ایران از منظر نسبت آن با اندیشه‌های اسلامی

(بررسی مقطع زمانی ۱۳۸۲-۱۳۹۵ ش)

باقر انصاری*

چکیده

رشته کارشناسی ارشد حقوق بشر در ایران در چهاردهم اسفند ۱۳۷۹ تصویب شد و از سال ۱۳۸۲ ش در این رشته در چهار دانشگاه کشور دانشجوی پذیرش شد. یکی از پرسش‌هایی که پس از گذشت چند سال از اجرای این رشته در کشور مطرح می‌شود آن‌که نسبت این رشته با اندیشه‌های اسلامی چگونه بوده است؛ آیا وضعیت واحدهای درسی، دانشجویان، تحقیقات، مدرسان، و منابع حاکی از آن است که نسبت مناسبی بین رشته حقوق بشر و اندیشه‌های اسلامی برقرار شده است؟ با توجه به اهمیت طرح و بسط اندیشه‌های اسلامی در باب حقوق بشر چه راه‌کارهایی را برای تقویت مناسبات رشته حقوق بشر و اندیشه‌های اسلامی می‌توان دنبال کرد؟ نگارنده در این مقاله درصدد است تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد. بدین منظور، در ابتدا با نگاه توصیفی و از نظر شکلی، به معرفی رشته حقوق بشر و جایگاه اندیشه‌های اسلامی در آن می‌پردازد (بخش اول). سپس، با توجه به مهم‌ترین مشخصه‌های اندیشه‌های اسلامی در باب حقوق بشر، وضعیت رشته حقوق بشر را از نظر محتوایی یا ماهوی با اندیشه‌های یادشده تطبیق می‌دهد (بخش دوم) و در پایان، راه‌کارهایی برای تقویت مناسبات این دو به دست می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: رشته حقوق بشر، اندیشه‌های اسلامی، آموزش عالی.

* دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، B_ansari@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰

۱. مقدمه

رشته کارشناسی ارشد حقوق بشر در چهاردهم اسفند ۱۳۷۹، به پیش‌نهاد دانشگاه شهید بهشتی، در شورای عالی برنامه‌ریزی تصویب شد و اخذ دانشجوی در این رشته از سال ۱۳۸۲ ش در دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه تهران،^۱ دانشگاه علامه طباطبائی،^۲ و دانشگاه مفید آغاز شد.

البته، در دانشکده‌های حقوق گروه مستقلی ذیل عنوان گروه حقوق بشر نیست و امور مربوط به این رشته اغلب در ذیل فعالیت‌های گروه حقوق عمومی و بین‌الملل تعریف شده است.

تا پایان سال ۱۳۹۴ ش، در حدود پانصد دانشجو در رشته حقوق بشر پذیرفته شدند و در حدود چهارصد دانشجو فارغ‌التحصیل شدند.

منطقی است که پس از تعریف و اجرای یک رشته آموزشی جدید نتایج و آثار آن رشته مورد ارزیابی قرار گیرد تا نقاط قوت آن تقویت و نقاط ضعفش اصلاح شود. این ارزیابی در خصوص رشته حقوق بشر از زوایای مختلف قابل انجام است. مثلاً می‌توان از نظر تخصصی بودن واحدها و سرفصل‌های درسی به لحاظ توجه به مسائل و دغدغه‌های بومی و ملی، از نظر شرایط اخذ دانشجوی، از نظر کمیت و کیفیت استادان، و دیگر لحاظ‌ها به ارزیابی یک رشته مبادرت کرد. در این مقاله، رشته حقوق بشر در ایران از منظری خاص ارزیابی می‌شود که عبارت است از «نسبت رشته حقوق بشر با اندیشه‌های اسلامی».

ممکن است این پرسش و تردید طرح شود که آیا رشته حقوق بشر باید به اندیشه‌های اسلامی هم پردازد؛ آیا ماهیت این رشته و رسالتی که برای آن در سطح بین‌المللی تعریف شده است بیان حقوق بشر است بدان گونه که در نظام بین‌المللی حقوق بشر تعریف شده است یا این که بیان اندیشه‌های اسلامی در باب حقوق بشر را نیز در بر می‌گیرد؟

باتوجه به روش و الزامات خاص طرح و بحث مطالب در مطالعات نسبت‌سنجی، در ابتدا روش نسبت‌سنجی در این مقاله توضیح داده می‌شود. یکی از مقدمات نسبت‌سنجی آن است که دو امری که نسبتشان مورد مطالعه قرار می‌گیرد از جهات مختلف، به‌ویژه از لحاظ‌هایی که سنجش می‌شوند، معلوم باشد و ابهام نداشته باشند. در این مقاله، «رشته حقوق بشر در ایران تا حد زیادی واجد این وصف است و می‌توان با به‌دست آوردن داده‌های مربوط از جنبه‌های مختلف این رشته، اطلاعات و نتایج لازم را استنباط کرد، اما «اندیشه‌های اسلامی» امری است که جنبه‌های مختلف آن پیچیدگی‌های زیادی دارد و در

مواردی مباحث مطرح شده اختلافی است. مشخصه‌های اندیشه اسلامی به‌طور کلی، و در حوزه حقوق بشر به‌طور خاص، با نکات غامض و پیچیده‌ای همراه است و نظرهای متفاوت و گاه متعارض در بین اندیشمندان اسلامی راجع به مسائل مهم حقوق بشر دیده می‌شود. بر این اساس، برای نسبت‌سنجی بین «رشته حقوق بشر در ایران» و «اندیشه‌های اسلامی» لازم است تا تصویری هرچند اجمالی از معیارها یا مشخصه‌های اندیشه‌های اسلامی به‌دست داده شود، سپس رشته حقوق بشر با این معیارها ارزیابی شود.

باتوجه به نکته یادشده، در این مقاله رشته حقوق بشر از دو لحاظ شکلی و ماهوی ارزیابی می‌شود؛ از نظر شکلی، معیارها و مشخصه‌هایی که مورد توجه قرار می‌گیرند عبارت‌اند از تعداد واحدها و عناوین درسی اجباری و اختیاری رشته، وضعیت دانشجویان (ورودی، خروجی، و آتیه شغلی)، وضعیت مدرسان رشته از حیث نوع تخصص و سطح علمی و میزان کار پژوهشی و این‌که آیا نیازهای مورد نظر از منظر اندیشه اسلامی را می‌توانند پاسخ دهند، وضعیت پژوهش‌های حین تحصیل دانشجویان یا سمینارهای موظفی از نظر تطبیق با هدف مورد نظر در این بررسی، وضعیت رساله‌های دفاع شده از حیث عناوین مربوط که تا چه اندازه به اندیشه اسلامی ربط پیدا می‌کنند و هم‌چنین، وضعیت عناوین رساله‌هایی که در گروه‌های مربوط تصویب شده و به‌دست دانشجویان در حال تدوین‌اند از منظر یادشده، ارزیابی وضعیت منابع در اختیار دانشجویان برای رفع نیازهای علمی خود در خلال فراگیری این رشته تحصیلی از این حیث که تا چه اندازه منابع قوی و مناسبی منطبق با اندیشه اسلامی در اختیار آنهاست.

از نظر ماهوی، با مطالعه در آثار اندیشمندان مختلف غیراسلامی و اسلامی^۳ در باب حقوق بشر، دست‌کم شش وجه ممیز یا اختلاف مهم میان این اندیشه‌ها مشاهده می‌شود. اندیشمندان اسلامی در مورد این وجوه، که به‌طور عمده از سوی اندیشمندان غیراسلامی و لیبرال به‌منزله مشخصه‌های اصلی نظام حقوق بشر معرفی می‌شوند، به انحراف مختلف، به‌طور صریح یا تلویحی موضع اتخاذ کرده و از منظر آموزه‌های اسلامی برداشت خود را در مورد آنها اعلام کرده‌اند. مجموع این برداشت‌ها، که با استقرا در نوشته‌ها و گفته‌ها قابل تحصیل است، به‌مثابه معیارهای ارزیابی رشته حقوق بشر در ایران از نظر محتوایی یا ماهوی مورد توجه واقع شده‌اند. این معیارها عبارت‌اند از شناسایی یا عدم شناسایی حقوق بشر به‌منزله پروژه سیاسی، شناسایی حقوق بشر به‌مثابه امر قدیم یا مدرن، تأیید یا رد فردگرایی حقوق بشر، شناسایی حق‌ها به‌منظور ظرف یا مظروف، میزان و نحوه تأکید بر حق یا تکلیف، و تفکیک بین حق‌های اخلاقی و قانونی.

بر این اساس، این مقاله در ابتدا با نگاه توصیفی و از نظر شکلی رشته حقوق بشر و جایگاه اندیشه‌های اسلامی را در آن معرفی می‌کند (بخش اول). سپس، با توجه به مهم‌ترین مشخصه‌های اندیشه‌های اسلامی در باب حقوق بشر، وضعیت رشته حقوق بشر را از نظر محتوایی یا ماهوی با اندیشه‌های یادشده تطبیق می‌دهد (بخش دوم). در پایان، راه‌کارهایی برای تقویت مناسبات این دو به دست می‌دهد.

۲. ارزیابی شکلی رشته حقوق بشر و جایگاه اندیشه‌های اسلامی در آن

۱.۲ واحدها و سرفصل‌های درسی

رشته حقوق بشر، همانند دیگر رشته‌های کارشناسی ارشد، ۳۲ واحد درسی دارد. اندیشه‌های اسلامی در باب حقوق بشر را به دو صورت می‌توان در واحدها و سرفصل‌های درسی این رشته دنبال کرد؛ یا باید واحدهای درسی خاصی با سرفصل‌های مشخص به این اندیشه‌ها اختصاص داده شده باشد یا این که طرح و بحث اندیشه‌های اسلامی باید در واحدهای درسی مربوط و به مناسبت هر موضوع و به صورت ادغامی پیش‌بینی شده باشد.

بررسی واحدها و سرفصل‌های مصوب رشته حقوق بشر نشان می‌دهد که در طراحی و تعریف این رشته به طور عمده به صورت اول عمل شده است: واحد درسی مشخصی ذیل عنوان «حقوق بشر از دیدگاه اسلام» به ارزش دو واحد به عنوان درس اصلی — اجباری پیش‌بینی شده است. سرفصل‌های درسی برخی از واحدهای درسی نظیر «نقد مبانی فلسفی حقوق بشر»، «حقوق مدنی و سیاسی»، «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، «حقوق هم‌بستگی»، «دولت و حقوق بشر»، «نظام بین‌المللی حقوق بشر در ایران»، «مبانی انسان‌شناختی حقوق بشر و تنوع فرهنگی»، «حقوق زن»، «حقوق کودک»، «آزادی بیان و اجتماعات و تشکیلات»، و «حمایت از حقوق اقلیت‌ها» نیز این قابلیت را دارند که در تضارب با اندیشه‌های اسلامی طرح و بحث شوند. البته، جز در سرفصل‌های «مبانی انسان‌شناختی حقوق بشر و تنوع فرهنگی» در سرفصل‌های تعریف‌شده برای واحدهای درسی مذکور اشاره‌ای به لزوم بیان اندیشه‌های اسلامی مرتبط نشده است. از این رو، طرح این اندیشه‌ها به سلیقه و تشخیص استاد مربوط بستگی دارد.

سرفصل‌های درسی «حقوق بشر در اسلام» مشتمل است بر مبانی حقوق بشر در اسلام، تحلیل اعلامیه اسلامی حقوق بشر و نسبت آن با اعلامیه جهانی حقوق بشر، بررسی نسبت

میثاقین و سایر اسناد بین‌المللی مهم حقوق بشر با موازین اسلامی و مواضع کشورهای اسلامی و در نهایت، مناسبات کشورهای اسلامی و سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر. در این سرفصل آنچه مهم و ضروری به نظر می‌رسد بیان مبانی حقوق بشر در اسلام است که جای خالی آن در ادبیات حقوقی کشور بسیار محسوس است. دیگر موضوعات یا اهمیت لازم را ندارند (تحلیل اعلامیه اسلامی حقوق بشر و نسبت آن با اعلامیه جهانی حقوق بشر)؛ یا آنچنان کلی و گسترده هستند (بررسی نسبت میثاقین و... با موازین اسلامی و...) که پرداختن به آنها در طول یک نیم‌سال تحصیلی بسیار دشوار و چه بسا ناممکن است.

باتوجه به این وضع، سه پیشنهاد برای رفع این ایرادها قابل طرح است:

۱. باتوجه به اهمیت مبانی حقوق بشر در اسلام واحد درسی مستقلی به آن اختصاص یابد تا جایگاه آزادی و حق تعیین سرنوشت فردی، کرامت انسانی، برابری و عدم تبعیض، هم‌بستگی و برادری، رابطه فرد و حکومت در اسلام در حد مناسبی در کلاس درس بحث و تبیین شود؛

۲. سرفصل درس نقد مبانی فلسفی حقوق بشر بازنگری شود و موضوعات راجع به مبانی حقوق بشر در اسلام در سرفصل این درس گنجانده شود؛

۳. کشورهای اسلامی و نظام بین‌المللی حقوق بشر، به‌عنوان یک واحد درسی مستقل باشد و در آن مواضع و نظریات کشورهای اسلامی درباره اسناد و رویه‌های حقوق بشری طرح و بحث شود تا مشترکات این کشورها در قبال نظام بین‌المللی حقوق بشر مشخص شود.

۲.۲ دانشجویان

همان‌طور که اشاره شد، از زمان اجرای رشته حقوق بشر در چهار دانشگاه کشور تا پایان سال تحصیلی ۱۳۹۴ ش حدود پانصد دانشجو در این رشته پذیرفته شدند و از این میان، حدود چهارصد دانشجو فارغ‌التحصیل شدند.

برای ورود به رشته حقوق بشر محدودیت خاصی نیست. هر فردی با هر مدرک کارشناسی که در این رشته در کنکور قبول شود، می‌تواند وارد این رشته شود. مواد امتحانی این رشته عبارت‌اند از حقوق بین‌الملل عمومی (با ضریب ۲)، سازمان‌های بین‌المللی (با ضریب ۲)، زبان تخصصی (با ضریب ۲)، حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری (با ضریب ۱) و حقوق مدنی (بخش تعهدات با ضریب ۱).

در سال‌های نخست تأسیس این رشته دانشجویان حقوق به علت نداشتن شناخت کافی از این رشته رغبت چندانی به آن نشان نمی‌دادند و در ترکیب دانشجویان دارندگان مدارک کارشناسی غیرمرتبط نظیر پرستاری، کشاورزی، زبان‌های فرانسه و انگلیسی، فلسفه، و... مشاهده می‌شد. در سال‌های اخیر، دانشجویان حقوق به این رشته علاقه‌مند شده‌اند و ترکیب دانشجویان حقوق بشر عمدتاً از دارندگان مدرک کارشناسی حقوق است. البته باتوجه به مواد امتحانی این رشته دانشجویانی در آن پذیرفته می‌شوند که به حقوق بین‌الملل علاقه‌مندند و غالباً پشتوانه مطالعات راجع به اندیشه‌های اسلامی را ندارند. باتوجه به ماهیت بین‌رشته‌ای حقوق بشر انتخاب این رشته از سوی دانشجویان غیرحقوقی نه تنها اشکال ندارد، بلکه نکته مثبتی نیز تلقی می‌شود. ایراد اصلی در این خصوص آن است که باتوجه به صبغه حقوقی و غیربین‌رشته‌ای کلاس‌های درس این دانشجویان، که اکثراً به پشتوانه زبان تخصصی خوب در این رشته پذیرفته می‌شوند، غالباً نمی‌توانند مشارکت زیادی در کلاس‌های درس یا نگارش پایان‌نامه‌های موردقبول گروه داشته باشند و به‌طور خودبه‌خود مرزی میان آن‌ها و دیگر دانشجویان کشیده می‌شود.

دانشجویان حقوق بشر غالباً از آتیه تحصیلی و شغلی خود نگران‌اند. ازیک‌سو، برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری باید در یکی از گرایش‌های عمدتاً حقوق بین‌الملل یا حقوق عمومی به رقابت با دیگران پردازند و در این زمینه، فرصت برابری برای رقابت ندارند. ازسوی دیگر، بازار شغلی فارغ‌التحصیلان این رشته مشخص نیست و درنهایت، ناگزیرند یا به وکالت روی آورند یا در فعالیتهای غیرمرتبط با تحصیلات خود وارد شوند.

باوجود بررسی‌های میدانی فارغ‌التحصیلان مقاطع مختلف این رشته تحصیلی، آماری از فارغ‌التحصیلانی که در مشاغل مرتبط با این رشته تحصیلی مشغول به کار شده باشند به دست نیامد.

این ملاحظات دانشجویان مستعد و علاقه‌مند به ادامه تحصیل را در انتخاب رشته حقوق بشر دچار تردید می‌کند.

۳.۲ استادان

باتوجه به ماهیت بین‌رشته‌ای حقوق بشر استادان مختلفی از رشته‌های مختلف واحدهای درسی این رشته را در سال‌های گذشته تدریس کرده‌اند یا اکنون در حال تدریس هستند. این استادان غالباً در یکی از رشته‌های حقوق بین‌الملل،^۵ حقوق عمومی،^۶ حقوق جزا،^۷ و حقوق

خصوصی^۹ تحصیل کرده‌اند. معدودی از استادان غیرحقوقی از رشته‌های روابط بین‌الملل، فلسفه،^{۱۰} و جامعه‌شناسی^{۱۱} نیز در تدریس برخی از دروس مشارکت دارند.

در سال‌های اولیه تأسیس این رشته، با توجه به کمبود استاد (یا استاد مورد اعتماد)، استادان دانشگاه‌های شهید بهشتی و تهران متولی تدریس تعداد زیادی از دروس حقوق بشر در دانشگاه‌های مفید و علامه طباطبایی بودند. در حال حاضر نیز استادانی از این دو دانشگاه، به‌عنوان مدعو، تدریس برخی از دروس را در این دانشگاه‌ها برعهده دارند، اما از دانشگاه‌های علامه یا مفید استادی برای تدریس در دانشگاه شهید بهشتی یا تهران دعوت نشده است. از این رو، می‌توان گفت که دانشگاه شهید بهشتی و سپس دانشگاه تهران در تحول و تطور رشته حقوق بشر نقش بسیار مهمی داشته‌اند.

برخی از استادانی که دروس حقوق بشر را تدریس می‌کنند سابقه تحصیلات حوزوی نیز دارند.^{۱۲} هم‌چنین، عده‌ای از این استادان از دانشگاه‌های خارجی (عمدتاً فرانسه و انگلستان) و گروهی از دانشگاه‌های ایران فارغ‌التحصیل شده‌اند.^{۱۳} برخی در حوزه تحقیق وارد شده‌اند و افکار و اندیشه‌های خود را بیان کرده‌اند،^{۱۴} اما بعضی اثر خاصی منتشر نکرده‌اند.

با توجه به این که مقطع دکتری در رشته حقوق بشر وجود ندارد، پایان‌نامه یا رساله دکتری یا داشتن آثار و تحقیقات مرتبط با حقوق بشر از مهم‌ترین معیارهای ورود استادان به عرصه تدریس حقوق بشر است.

تدریس درس حقوق بشر در اسلام در دانشگاه‌های چهارگانه‌ای که رشته حقوق بشر دارند به‌طور عمده با استادانی بوده است که از سطح متنوعی از تحصیلات دانشگاهی و حوزوی برخوردار بوده‌اند.^{۱۵}

۴.۲ تحقیقات حین تحصیل و پایان‌نامه‌ها

از میان تعداد حدوداً چهارصد پایان‌نامه‌ای که از سوی دانشجویان حقوق بشر تا پایان سال ۱۳۹۴ ش‌نگارش یافته است، بخش عمده‌ای از پایان‌نامه‌ها، به‌ویژه پایان‌نامه‌هایی که در سال‌های اولیه تأسیس این رشته تصویب و دفاع شده‌اند، در باب حقوق مدنی و سیاسی نگارش یافته‌اند. در سال‌های اخیر (تقریباً از سال ۱۳۸۵ ش به بعد) موضوعات مرتبط با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در کانون توجهات قرار گرفته است، اما هنوز پایان‌نامه‌های چندانی در خصوص حقوق هم‌بستگی یا حقوق بشر نسل سوم نگارش نیافته

است.^{۱۶} هم‌چنین، معدودی از پایان‌نامه‌ها نیز درخصوص مبانی حقوق بشر و بررسی دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی یا غربی درباره حقوق بشر نگارش یافته‌اند. از کل پایان‌نامه‌هایی که تا پایان سال ۱۳۹۱ ش در گروه‌های حقوق بشر دفاع شده‌اند، حدود سیزده پایان‌نامه در گروه حقوق بشر دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی،^{۱۷} حدود چهار پایان‌نامه در گروه حقوق بشر دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران،^{۱۸} حدود شش پایان‌نامه در گروه حقوق بشر دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی،^{۱۹} و حدود چهار پایان‌نامه در گروه حقوق بشر دانشگاه مفید^{۲۰} به‌طور مستقیم به اندیشه‌های حقوق بشری اندیشمندان اسلامی یا به موضوعات اسلامی مربوط بوده‌اند. از بین اندیشمندان اسلامی نیز اندیشه‌های علامه نائینی، علامه اقبال لاهوری، شهید صدر، شهید مطهری، امام خمینی (ره)، آیت‌الله مصباح یزدی، آیت‌الله جوادی آملی، و سیدحسین نصر به‌طور خاص مورد توجه واقع شده‌اند.

آمار نسبتاً کم پایان‌نامه‌های راجع به اندیشه‌های اسلامی ممکن است از عوامل مختلفی نشئت گرفته باشد. شاید یکی از عوامل رغبت کم‌تر استادان و دانشجویان به انتخاب موضوعات مرتبط با اندیشه‌های اسلامی در باب حقوق بشر خودسانسوری و دیگرسانسوری باشد. با فرض وجود تمایل، نبود آشنایی مناسب با موضوعات و اندیشه‌های اسلامی مرتبط با حقوق بشر از دیگر عوامل کم‌رغبتی به این موضوعات است. از این رو، وجود فهرستی از موضوعات اسلامی می‌تواند به دانشجویان و استادان در ترغیب انتخاب این موضوعات برای پایان‌نامه کمک کند.

۵.۲ منابع

منابع مورد استفاده و ارجاع در آموزش دروس حقوق بشر غالباً یا ترجمه هستند یا به زبان‌های خارجی. درخصوص برخی از واحدهای درسی نظیر «نقد مبانی فلسفی حقوق بشر»، «حقوق مدنی و سیاسی»، «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» «حقوق هم‌بستگی»، «دولت و حقوق بشر»، «مبانی انسان‌شناختی حقوق بشر و تنوع فرهنگی»، «آزادی بیان و اجتماعات و تشکیلات»، و «دولت و حقوق بشر» منابع تألیفی قابل‌اعتنایی به زبان فارسی وجود ندارد. منابع موجود به زبان فارسی عمدتاً درخصوص کلیات و مبانی یا برخی از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی تألیف شده‌اند. البته منابع غیرمستقیمی نیز وجود دارند که به تشخیص استاد مربوط قابل استفاده‌اند.

فقدان منابع تألیفی به زبان فارسی حکایت از آن دارد که اجرای رشته حقوق بشر عمدتاً متکی بر منابع و آثار و پژوهش‌های خارجی است.

آثاری که به زبان فارسی و به دست محققان ایرانی در زمینه مناسبات اسلام و حقوق بشر منتشر شده‌اند^{۲۱} یا بسیار کلی و مجمل هستند، یا حالت خطابی و دفاعی دارند و روح پژوهشی در آنها حاکم نیست یا با تعریف و توصیفی از حقوق بشر تألیف یافته‌اند که با تعریف و توصیف حقوق بشر در کلاس‌های حقوق بشر و منابع و آثار بین‌المللی موجود در باب حقوق بشر بسیار تفاوت دارند؛ از این رو، اغلب استادان حقوق بشر به این آثار نه به‌منزله منبع درسی، بلکه از باب نقد و مقابله نگاه می‌کنند و جالب آن‌که حتی در برخی از پایان‌نامه‌های دانشجویان حقوق بشر نیز آثار برخی از اندیشمندان اسلامی که آثار قلمی در حوزه حقوق بشر دارند به‌آسانی مورد ایراد و انتقاد واقع شده‌اند.

۳. ارزیابی محتوایی رشته حقوق بشر از منظر اندیشه‌های اسلامی

منظور از ارزیابی محتوایی رشته حقوق بشر آن است که محتوای این رشته و آنچه در خلال واحدها و سرفصل‌های درسی این رشته تعلیم داده می‌شود چه نسبتی با اندیشه‌های اسلامی دارد. همان‌طور که قبلاً گفته شد، شناسایی اندیشه‌های اسلامی از غیراسلامی کار آسانی نیست؛ با وجود این، با استقرا در آثار اندیشمندان غربی (عمدتاً لیبرال) و اسلامی می‌توان به این موارد به‌عنوان وجوه ممیز این اندیشه‌ها توجه کرد.

۱.۳ شناسایی یا عدم شناسایی حقوق بشر به‌منظور پروژه سیاسی

در نظام بین‌الملل حقوق بشر دولت عنصر لاینفک اندیشه حقوق بشر محسوب می‌شود و این نظام عمدتاً با نگاه طولی یا عمودی به شناسایی حقوق بشر برای افراد در برابر دولت نظر دارد (تاموشات ۱۳۸۶: ۱۰۰). از پیش‌فرض‌های نظام حقوق بشر آن است که دولت بزرگ‌ترین تهدید علیه آزادی فردی است و چون همواره در مصاف با افراد از قدرت زیاد برخوردار است، احتمال دارد از این قدرت خود سوءاستفاده کند. از این رو، تمام تلاش نظام حقوق بشر آن است که از یک‌سو، حقوق مختلف را برای حمایت از آزادی و منافع افراد شناسایی کند و از سوی دیگر، تکالیف متعدد برعهده دولت قرار دهد تا شاید از این طریق، تا حدی بتواند تساوی سلاح‌ها را بین افراد و دولت برقرار کند. در واقع، نظام بین‌الملل حقوق بشر به همان اندازه که از ناحیه افراد حق‌محور است از ناحیه دولت‌ها تکلیف‌محور است.

هدف این نظام آن است که از افراد تنها در مقابل تهدیدهایی که از ناحیه دولت متوجه آزادی یا منافع آن‌ها می‌شود حمایت کند. چنانچه تهدیدی جدی از ناحیه فرد یا گروه یا شرکتی خصوصی علیه کرامت افراد باشد، نمی‌توان با توسل و تمسک به نظام حقوق بشر با این تهدید برخورد کرد.^{۲۲}

با این حال، در اکثر آثار اندیشمندان اسلامی در خصوص مناسبات حقوق بشر و اسلام عنصر دولت در تعریف و ترسیم تعهدات حقوق بشری بسیار کم‌رنگ دیده شده است و به توصیف حقوق بشر در رابطه افقی و عرضی بیش از تعریف و توصیف آن در نظام بین‌المللی حقوق بشر اهمیت داده شده است.^{۲۳} همین امر سبب شده است اکثر استادان و دانشجویان حقوق بشر با توجه به این که حقوق بشر را پروژه‌ای سیاسی می‌شناسند، بسیاری از این آثار را خارج از چهارچوب حقوق بشر قلمداد کنند. در واقع، مباحث و موضوعات مطرح در آن‌ها را به حق‌های عادی مربوط می‌دانند که به سختی جامعه حقوق بشر به آن‌ها پوشانده شده است.

۲.۳ شناسایی حق؛ امری مدرن یا قدیم

در نظام بین‌المللی حقوق بشر، حق‌ها به‌طور عام و حقوق بشر به‌طور خاص، از مفاهیم مدرن و اختراعی محسوب می‌شوند که در هیچ فرهنگی سابقه نداشته‌اند و نخستین بار در غرب شناسایی شده‌اند. اندیشمندان و مفسران نظام بین‌المللی حقوق بشر معتقدند که برای فهم حقوق بشر باید بین چند مفهوم از جمله «حق بودن» و «حق داشتن» تمایز قائل شد. حق بودن امری اخلاقی است و مفهومی قدیمی، اما حق داشتن مفهومی است مدرن و محصول لیبرالیسم. مثلاً، در بین نویسندگان ایرانی که در خصوص مناسبات اسلام و حقوق بشر تحقیق و تدریس کرده‌اند اندیشمندانی نظیر محقق داماد و سیدفاطمی معتقدند که مفهوم حق در ادبیات فقهی ما تاکنون همان «حق بودن» بوده است نه «حق داشتن».^{۲۴} به نظر راسخ و سیدفاطمی، آنچه در رساله حقوق امام سجاد (ع) آمده است از جنس احکام هستند و حق بودن، نه از جنس حق به مفهوم مدرن آن (صرامی ۱۳۸۵: ۱۸۵، ۳۰۷). اما اغلب اندیشمندانی که در حوزه حقوق بشر در اسلام قلم زده‌اند، نظیر آیت‌الله جوادی آملی نظر دیگری دارند و معتقدند که در اسلام حق داشتن نیز از قدیم وجود داشته است. ایشان برای بیان این دوگانگی از اصطلاح «حق در عالم ثبوت» و «حق در عالم اثبات» استفاده می‌کنند.^{۲۵}

۳.۳ شناسایی حق‌ها به مثابه ظرف یا مظروف

عقیده غالب اندیشمندان و مفسران نظام بین‌المللی حقوق بشر آن است که یکی از بنیان‌های نظری این نظام تقدم حق‌ها بر امور خیر و اخلاقی است.^{۲۶} حقوق بشر، به‌ویژه حقوق مدنی و سیاسی، از ظرفیت و قابلیت برای تصمیم‌گیری حمایت می‌کنند و نه از مظروف‌های خاص. افراد با برخورداری از آزادی انتخاب و تصمیم‌گیری می‌توانند در ظرف‌هایی که نظام بین‌المللی حقوق بشر در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد هر محتوایی را بریزند و در این انتخاب، افراد حق برخطابودن دارند. از این رو، دولت باید در مقابل اهداف و غایاتی که افراد ممکن است از تصمیمات خود دنبال کنند بی‌طرف باشد. در واقع، در این نظام آنچه بیش از هر چیز برای تشخیص فرد مهم است قابلیت یا ظرفیت برای تصمیم‌گیری است، نه اهدافی که انتخاب می‌شوند. به تعبیر دیگر، حق‌ها از لحاظ اخلاقی بی‌طرف‌اند و اهداف اخلاقی خاصی را تجویز نمی‌کنند. هرگونه محدودیت و مانع ایجادکردن در برابر آزادی یا قابلیت افراد در مورد انتخاب کردن یک دیدگاه از میان دیدگاه‌های متفاوت درباره خیر، اساساً نامشروع است (Breslin 2004: 36).

دربین اندیشمندان اسلامی برخی حق برخطابودن را تأیید کرده‌اند و برخی نفی (صرامی ۱۳۸۵: ۲۹۱). با این حال، اثر محققانه‌ای در نفی یا اثبات حق برخطابودن به فارسی منتشر نشده است. نظر اکثر استادانی که دروس حقوق بشر در اسلام را تدریس می‌کنند بر تأیید این حق است.

۴.۳ تأیید یا رد فردگرایی حقوق بشر

در نظام بین‌المللی حقوق بشر حق‌ها زبان فردگرایانه دارند، یعنی همواره سخن از حق یک یا چند فرد است؛ از نفعی حمایت می‌شود که قابل تخصیص به فرد یا افراد معین است. حقوق فردی با زبان فردگرایانه و با عبارت‌های «هر فردی»، «هرکس»، «هیچ‌کس»، «انسان»، و نظایر آن بیان می‌شوند و مواد مختلف «اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین» با این زبان نگارش یافته‌اند (Donnelly 2001: 3). در واقع، در نظام بین‌المللی حقوق بشر، متأثر از مبانی لیبرالیستی حق، عقیده غالب این است که از نفعی می‌توان در قالب حق حمایت کرد که منفرداً یا مشترکاً متوجه فرد یا افراد معین شود. از ارزش‌هایی حمایت می‌شود که حمایت از آن‌ها برای تحمیل تکلیف برعهده دیگران لازم است. اما ارزش‌های مطلق و غیرشخصی نظیر این سخن که «فلان امر باید به فلان صورت باشد» از قلمرو حق‌ها خارج هستند.

ارزش‌های جمعی نظیر برادری و هم‌بستگی اگرچه خیرهایی هستند که به افراد نفع می‌رسانند، اما این نفع را به افراد به ما هو افراد نمی‌رسانند (Waldron 1996: 722).

درمقابل، اغلب اندیشمندان اسلامی بر این باورند که منشأ حقیقی حق و تکلیف فقط خداوند است و دیگر حقوق جنبه اعتباری دارند. حق از امور اعتباری است،^{۲۷} این اعتبار را می‌توان برای فرد داشت یا برای جمع (مطهری ۱۳۹۰: ۲۳-۳۳). بنابراین، فردگرایی نظام بین‌الملل حقوق بشر را مورد انتقاد قرار می‌دهند و معتقدند برخلاف نظام لیبرالی، حق‌ها ماهیتاً فردگرا نیستند و از آن‌ها می‌توان برای حمایت از منافع غیرقابل تخصیص به افراد نیز استفاده کرد. این مطلب از مهم‌ترین مشخصه‌های نظریه حق در اندیشه‌های اسلامی است.

در نظام بین‌الملل حقوق بشر تعارض بین حقوق افراد با یکدیگر شناسایی شده است، اما از تعارض بین حقوق افراد با «حقوق عمومی» سخنی به‌میان نیامده است، بلکه از تعارض بین حقوق فردی و «منافع عمومی» سخن گفته شده است؛ مثلاً، دیوان اروپایی حقوق بشر تعارض بین حق حریم خصوصی و محیط زیست را تعارض بین حق فردی و نفع عمومی می‌داند و البته، نفع عمومی را با شرایطی به حق فردی غلبه داده است (برای مطالعه بیشتر در این باره، بنگرید به بیات کمیته‌ی ۱۳۹۰). نظام لیبرال، برای حمایت از منافع عمومی از اصطلاح حق استفاده نمی‌کند، اما این واقعیت را که منافع عمومی باید حمایت شوند می‌پذیرد؛ درحالی‌که در اندیشه‌های اسلامی برای حمایت از منافع عمومی از اصطلاح «حقوق عمومی» استفاده می‌شود که غالباً نیز بر حقوق فردی غلبه داده می‌شوند.

اکثر استادانی که تدریس در دوره‌های حقوق بشر را عهده‌دارند حقوق بشر را نظامی فردگرا می‌دانند و بر لزوم تفکیک بین آنچه «مصلحت» یا «نفع عمومی» می‌خوانند تأکید دارند و به تبع، حقوق جمعی را در چهارچوب نظام بین‌المللی حقوق بشر غیرقابل‌پذیرش می‌دانند.^{۲۸} درحالی‌که پذیرش این حقوق براساس اندیشه‌های اسلامی با اشکال چندانی مواجه نیست.^{۲۹}

۵.۳ تأکید بر حق و تغافل درباره مسئولیت

اندیشمندان و مفسران نظام بین‌المللی حقوق بشر بر این نکته تأکید دارند که در نظام بین‌المللی حقوق بشر، تمرکز بر مسئله آزادی و استقلال فردی است و تلاش می‌شود تا موانع و محدودیت‌ها و قید و بندها از میان برداشته شود. متأثر از این مبنا، منشور بین‌المللی حقوق بشر، جز در مقدمه‌های میثاقین که می‌گویند: «هر فرد نسبت به افراد دیگر و نیز

نسبت به اجتماعی که بدان تعلق دارد عهده‌دار وظایفی است و مکلف است به ترویج و رعایت حقوق شناخته شده در این میثاق اهتمام نماید، در دیگر مواد جز به نحو ضمنی به وظیفه یا مسئولیتی برای افراد اشاره نکرده است. هرچند در تفسیرهایی که از برخی مواد میثاقین صورت گرفته، به تعهد افراد در برابر دیگر هم‌نوعان اشاره شده (مثلاً، در رعایت حقوق حریم خصوصی)؛ با این حال، زبان منشور جهانی حق محور است. درست است که طبق نظر مشهور هر حقی، به ملازمه، تکلیفی نیز به دنبال دارد، اما این تکلیف در هر حال متوجه دولت است و نه افراد یا گروه‌ها (برای مطالعه تفصیلی، بنگرید به انصاری ۱۳۹۲).

در آثار برخی از اندیشمندان اسلامی در انتقاد از این مبنا گفته شده است که تکلیف را نمی‌توان از حق جدا کرد و بین این‌ها ملازمه برقرار است، اما نظام بین‌المللی حقوق بشر ملازمه بین حق و تکلیف را شناسایی نکرده است. این سخن اگر بدین معنا باشد که افراد در قبال حق‌هایی که دارند باید تکالیفی نیز داشته باشند (هرچند در نظام بین‌المللی حقوق بشر و نظام‌های منطقه‌ای آمریکا و آفریقا به صراحت پیش‌بینی شده است) سخن درستی است. نظام بین‌المللی حقوق بشر به عمد چنین ملازمه‌ای را شناسایی نکرده است، اما اگر به معنای ملازمه تکالیف در مقابل حقوق باشد، این تکالیف و ملازمه، همان‌طور که گفته شد، برقرار است و دولت در برابر حقوق افراد تکالیفی بر عهده دارد (برای مطالعه درباره جایگاه تکالیف فردی در نظام بین‌المللی حقوق بشر، بنگرید به کمیسیون حقوق بشر اسلامی ۱۳۸۸-۱۳۸۹: ۳۸۳-۴۴۰).

۶.۳ تفکیک بین حق‌های اخلاقی و حق‌های قانونی

یکی دیگر از تمایزهایی که اندیشمندان غربی برای فهم حقوق بشر لازم می‌دانند آن‌که در تحلیل‌ها و تفسیرهای خود از حقوق بشر باید بین حق‌های اخلاقی و حق‌های قانونی تمایز قائل شد.

در تفاوت بین حقوق قانونی و حقوق اخلاقی معیارهای زیادی به دست داده شده است (نبویان ۱۳۸۸). برخی معتقدند حقوق قانونی حقوق موضوعه‌اند که به موجب قانون یا رویه قضایی ایجاد شده‌اند و قوه قهریه دولت در حمایت از آن‌ها وجود دارد. در مقابل، حقوق اخلاقی حقوقی انتزاعی‌اند که صرف‌نظر از این‌که مورد تأیید دولت باشند یا نباشند اصل هنجاری برای جهت‌دهی و امر و نهی محسوب می‌شوند (Mitnick 2006: 29-30). حقوق قانونی حقوقی هستند که دولت آن‌ها را ایجاد می‌کند، ولی حقوق اخلاقی مستقل از دولت

وجود دارند و محصول دولت (قانون) نیستند. دولت آن‌ها را وضع یا جعل نمی‌کند، بلکه به رسمیت می‌شناسد و تأیید می‌کند (جونز ۱۳۸۷: ۷۲).

طرف‌داران این تمایز معتقدند که حقوق قانونی را می‌توان تقریباً به هر چیزی که نظام حقوقی قصد حمایت از آن را داشته باشد تعمیم و گسترش داد. هرچه قانون‌گذاران حق قانونی به آن اعطا کنند واجد آن حق می‌شود، چه این امر موردقبول و توافق فیلسوفان حقوق و اخلاق باشد چه نباشد؛ اگر قانونی بگوید که درختان حق دارند، درختان ذی‌حق می‌شوند، اما وضعیت حقوق اخلاقی فرق می‌کند، چون این حقوق حقوقی نیستند که قانون‌گذار آن‌ها را برای حل مشکلات و مسائل عملی مرتبط با صیانت از اجتماع ایجاد شوند، بلکه این حقوق باید مورد توافق فلاسفه اخلاق و حقوق باشند.

بر این اساس، حقوق بشر حقوقی اخلاقی است نه قانونی. ممکن است این حقوق در منابع بین‌المللی یا ملی نیز شناسایی شده باشند و جنبه موضوعه پیدا کرده باشند، اما اگر این شناسایی صورت نمی‌گرفت، باز خللی در حقوق بودن این حقوق ایجاد نمی‌شد. برعکس، حقوقی که فقط در منابع بین‌المللی یا ملی شناسایی شده‌اند نمی‌توانند در زمره حقوق بشر به‌شمار آیند، حتی اگر به این نام پیش‌بینی شده باشند.

در آثار اندیشمندان اسلامی، این تمایز جایگاه مهمی پیدا نکرده است و بسیاری از حق‌هایی که در این آثار به‌عنوان حقوق بشر مورد توجه واقع شده‌اند در واقع حقوق قانونی هستند، نه حقوق اخلاقی. اما اغلب استادانی که حقوق بشر تدریس می‌کنند، به‌ویژه استادان درس حقوق بشر در اسلام، به این تفکیک عنایت دارند و از آن برای مرزبندی حق‌های حقوق بشری و غیرحقوق بشری استفاده می‌کنند.

۴. نتیجه‌گیری

برداشت کلی در دانشکده‌هایی که رشته حقوق بشر دارند آن است که حقوق بشر پدیده‌ای بین‌المللی است که باید در ساحت و فضای بین‌المللی نیز فهم شود. در چنین فضایی اندیشه‌های عمدتاً غربی در باب حقوق بشر اعم از موافق و مخالف با جدیت و به‌مثابه اندیشه‌های معتبر تعقیب و طرح و بحث می‌شوند. شاید علت این امر آن باشد که غالباً اندیشه‌های غربی در دفاع از حقوق بشر و شرح و بسط آن نگرارش یافته‌اند و مستند به منابع بین‌المللی حقوق بشر هستند، با روح حاکم بر این رشته سازگاری بیش‌تری دارند و به‌سهولت در دست‌رس‌اند، اما اندیشه‌های علمای اسلامی عمدتاً توجهی به ابعاد بین‌المللی حقوق بشر ندارند، در نقد و رد نظام بین‌المللی حقوق بشر هستند، با مبانی و منابع این

حقوق ناسازگارند، جنبه استدلالی ندارند و برای دانشجویان و چه بسا برای بسیاری از استادان حقوق بشر به آسانی قابل دسترس و قابل فهم نیستند. از این رو، متأسفانه به عنوان منابع موثق و معتبر مورد مراجعه و توجه قرار نمی‌گیرند و در انتخاب موضوعات پژوهشی و پایان‌نامه‌ها اهمیت آن‌ها آن‌چنان‌که باید درک نمی‌شود.

از این رو، به نظر می‌رسد که هنوز زبان مشترکی بین بیش‌تر آثاری که از سوی علمای اسلامی نگارش یافته‌اند و اندیشه‌های غربی در باب حقوق بشر ایجاد نشده است. تعریف واحد درسی مشخصی با عنوان «حقوق بشر در اسلام»، که چه بسا از سوی اشخاص ناآشنا به نظام بین‌المللی حقوق بشر نیز برای دانشجویان ارائه می‌شوند، به هیچ وجه برای شناساندن اندیشه‌های اسلامی درباره مسائل و موضوعات حقوق بشری کافی نیست. مطلوب آن است که در هر واحد درسی و به مناسبت طرح هر مسئله حقوق بشری اندیشه‌های اسلامی در آن باره نیز طرح و بحث شود و دیدگاه‌های علمای اسلامی به صورت مزجی و ترکیبی در دسترس قرار گیرد، نه در قالب یک درس دو واحدی و مجزا و مستقل از مسائل و موضوعات مطرح در دیگر واحدهای درس. اصلاح واحدها و سرفصل‌های درسی با هدف گنجاندن اندیشه‌های اسلامی مرتبط در آن‌ها، که گاهی پیش‌نهاد داده می‌شود، نیز اجرایش نیست، مگر آن‌که قبلاً تولیدات پژوهشی قوی و استدلالی در مورد موضوع واحدهای درسی به بازار اندیشه‌ها عرضه شده باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. این دانشگاه در ۱۳۹۳ ش در رشته حقوق بشر دانشجو نگرفت.
۲. از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ ش اخذ دانشجو در رشته حقوق بشر در دانشگاه علامه طباطبایی متوقف شده بود.
۳. نظیر آثار جوادی آملی ۱۳۷۵؛ جعفری ۱۳۷۰؛ مصباح یزدی ۱۳۸۰؛ و منتظری ۱۳۸۷.
۴. این اعلامیه یکی از اسناد مختلفی است که در میان کشورهای اسلامی (در چهارچوب سازمان کنفرانس اسلامی) تصویب شده است. اهمیتی که این سند نزد اندیشمندان اسلامی در کشور ما پیدا کرده است، در مقایسه با دیگر کشورها که گاهی صحبت از مرگ این سند می‌کنند، با اغراق توأم بوده است.
۵. نظیر ابراهیم بیگزاده، جمشید ممتاز، هدایت‌الله فلسفی، اردشیر امیرارجمند، سیدقاسم زمانی، مرحوم ناصر قربان‌نیا، سیدباقر میرعباسی، مه‌ریار داشاب، امیرحسین رنجریان، رؤیا معتمدنژاد، حسین شریفی طرازکوهی، محمدرضا ضیائی بیگدلی، سعید رهایی، و سیدمصطفی میرمحمدی.

۶. نظیر سیدمحمد هاشمی، سیدمحمد قاری سیدفاطمی، محمد راسخ، محمدحسین زارعی، حبیبی مجنده، بیژن عباسی، و خیرالله پروین.
۷. نظیر محمد آشوری، علی حسین نجفی ابرندآبادی، علی خالقی، رحیم نوبهار، رضا اسلامی، سیدحسین هاشمی.
۸. نظیر مرحوم ناصر کاتوزیان، عزت‌الله عراقی، حسین مهرپور، باقر انصاری.
۹. نظیر بهرام مستقیمی، نسرين مصفا، یوسف مولایی، سیدعلی سادات اخوی.
۱۰. نظیر سیدمرتضی مردیها و مسعود ادیب.
۱۱. نظیر امیر نیک‌پی.
۱۲. همانند سیدمصطفی محقق داماد، سیدمحمد هاشمی، سیدمحمد قاری سیدفاطمی، حسین مهرپور، رحیم نوبهار، ناصر قربان‌نیا، محمدجواد جاوید، سعید رهایی، و سیدمصطفی میرمحمدی.
۱۳. حسین مهرپور، باقر انصاری، رحیم نوبهار، ناصر قربان‌نیا، سیدقاسم زمانی، حسین شریفی طرازکوهی، امیرحسین رنجبریان، سعید رهایی، و سیدمصطفی میرمحمدی.
۱۴. همانند مصطفی محقق داماد، عمید زنجانی، سیدمحمد هاشمی، سیدمحمد قاری سیدفاطمی، سیدقاسم زمانی، باقر انصاری، محمد راسخ، حسین مهرپور، رحیم نوبهار، ناصر قربان‌نیا، محمدجواد جاوید، حسین شریفی طرازکوهی، امیرحسین رنجبریان، سعید رهایی، و سیدمصطفی میرمحمدی.
۱۵. مصطفی محقق داماد، حسین مهرپور، عمید زنجانی، سیدمحمد قاری سیدفاطمی، رحیم نوبهار، سعید رهایی، ناصر قربان‌نیا، و سیدمصطفی میرمحمدی.
۱۶. وجود منابع و ادبیات نسبتاً خوب در حوزه حقوق مدنی و سیاسی و مهم و جدی تلقی شدن این حقوق از سوی اغلب استادان حقوق بشر (اعم از خارجی و داخلی) از عوامل مهم رغبت دانشجویان به این موضوعات بوده است. فقر شدید ادبیات حقوقی اعم از خارجی و فارسی در حوزه حقوق همبستگی و نیز هم‌صدایی بسیاری از استادان حقوق بشر با مخالفان غربی این حقوق از مهم‌ترین عوامل کم‌رغبتی به موضوعات راجع به این حقوق است.
۱۷. جهاد ابتدایی از دیدگاه موازین حقوق بشر، بررسی بن‌مایه‌های نواندیشی دینی در آثار اقبال لاهوری و پی‌آمدهای حقوق بشری آن، تطبیق آرای امام خمینی (ره) و علامه نائینی در باب برابری، سلفیت، و حقوق بشر معاصر (مطالعه موردی حقوق زنان)، سنت‌گرایی و حقوق بشر: مطالعه تطبیقی اندیشه‌های سنت‌گرایان غربی و سنت‌گرایان ایرانی مسلمان، قضاوت زن نزد اندیشمندان مسلمان از منظر حقوق بشر، بررسی تطبیقی دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی معاصر ایران و جان استوارت میل، بررسی و مطالعه تطبیقی حقوق بشر در اندیشه اسلامی و منشور

بین‌المللی حقوق بشر، رویکرد گفت‌وگوی ادیان به مبانی و موازین حقوق بشر، نقش دولت در تعیین محتوای دینی آموزشی همگانی در اسناد حقوق بشری و حقوق ایران، بازخوانی سرچشمه‌های اندیشه‌های تکفیری در منابع اسلامی، بررسی نسبت میان امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر و حریم خصوصی مکانی، و آزادی بیان و توهین به مقدسات در پرتو نظام بین‌المللی حقوق بشر.

۱۸. مطالعه تطبیقی مهم‌ترین حقوق بنیادین و غیرقابل‌اعراض بشر در نصوص مقدس ادیان سامی، آزادی ابراز عقاید مذهبی با تأکید بر مسئله پوشش، کرامت بشری، آزادی و برابری در ادیان توحیدی و «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، حق برخورداری از امکان مذهبی خاص پیروان ادیان و مذاهب در اسلام.

۱۹. آزادی استفاده از نمادهای مذهبی در نظام بین‌المللی حقوق بشر، بررسی تطبیقی «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و «اعلامیه اسلامی حقوق بشر»، صیانت از حق حیات کودک در کنوانسیون حقوق کودک و منشور حقوق کودک در اسلام، ناسازگاری دورن‌سیستمی: نقد ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی در مورد آزادی مذهب، مطالعه تطبیقی دیدگاه مکتب کاتولیسیسم و فقه شیعه درباره سقط جنین و جلوگیری از بارداری و پی‌آمدهای حقوق بشری آن، مبانی اخلاقی حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر عرفی، حسن و قبح عقلی از دیدگاه اصولیون شیعه و پی‌آمدهای حقوق بشری آن.

۲۰. مجازات‌های بدنی در اسلام از منظر نظام بین‌المللی حقوق بشر، حقوق بشر از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله جوادی آملی، تنبیه بدنی کودکان در نظام بین‌المللی حقوق بشر و فقه امامیه، ازدواج اجباری در نظام بین‌المللی حقوق بشر و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران.

۲۱. برخی از آثاری که به زبان فارسی و به‌دست محققان ایرانی در زمینه مناسبات اسلام و حقوق بشر منتشر شده‌اند عبارت‌اند از گلزاده غفوری ۱۳۴۲؛ نمائی ۱۳۴۷؛ قربانی ۱۳۳۸؛ بطحائی گلپایگانی ۱۳۷۱؛ منصوری لاریجانی ۱۳۷۴؛ جعفری تبریزی بی‌تا؛ مهرپور ۱۳۷۴؛ جوادی آملی ۱۳۷۵؛ حقوق بشر از دیدگاه اسلام: آرای دانشمندان ایرانی ۱۳۷۹؛ مرادی ۱۳۸۰؛ مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی حقوق بشر و گفت‌وگوی تمدن‌ها ۱۳۸۰؛ بسته‌نگار ۱۳۸۰؛ تسخیری ۱۹۹۷؛ میرموسوی ۱۳۸۱؛ مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر ۱۳۸۴؛ صرامی ۱۳۸۵؛ جوادی آملی ۱۳۸۵؛ نبویان ۱۳۸۸؛ جوادی آملی ۱۳۸۹؛ نبویان ۱۳۹۰.

22. Donnelly, Jack (2005), "Human Rights", *Human Rights Working Papers*:

<<http://www.du.edu/HumanRights/Workingpapers/papers/12-Donnelly-02-01.pdf>>.

۲۳. البته آثار نواندیشان دینی نظیر (کدیور ۱۳۸۷: ۸۵-۱۶۵؛ مجتهد شبستری ۱۳۸۱: ۲۰۰-۳۱۸؛ و احمد نعیم ۱۳۸۱: ۳۱۷-۳۵۳) به آن‌چه در نظام بین‌المللی حقوق بشر گفته می‌شود بسیار نزدیک است.

۱۲۰ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال نوزدهم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۳۹۸

۲۴. برای آشنایی با نظریات اندیشمندان اسلامی درباره مفهوم و شرایط حق و تمیز آن از دیگر مفاهیم مشابه به این آثار مراجعه کنید: صرامی ۱۳۸۵؛ نبویان ۱۳۸۸؛ همایش اندیشمندان ایران و اتریش (۱۳۷۸ / ۱۹۹۹).
۲۵. برای آشنایی با نظری که بر مبنای آموزه‌های اسلامی در خصوص مفهوم و کارکرد حق ارائه شده است بنگرید به جوادی آملی ۱۳۸۵: ۳۵-۵۵.
۲۶. عبارت انگلیسی که برای بیان این تعبیر به کار می‌رود عبارت است از «Rights are prior to goods». در برخی نوشته‌ها این عبارت به «تقدم امر درست بر امر خوب» ترجمه شده است.
۲۷. برای آگاهی از نظره‌های مختلف در این باره، بنگرید به نبویان ۱۳۹۰: ۲۳۷-۲۸۴.
۲۸. بسیاری از محققان بر این واقعیت اذعان کرده‌اند که مفهوم حقوق جمعی مبهم است؛ مثلاً، سیدفاطمی می‌نویسد: «تصور وجود جمع به‌عنوان دارنده حق آسان نیست، چه رسد به اثبات تصدیقی آن» (سیدفاطمی ۱۳۸۸: ۱۰۰).
۲۹. البته برخی از اندیشمندان اسلامی بر این باورند که در اسلام، چه در نظام فاعلی و چه در نظام غایی، اصالت از آن فرد است (جوادی آملی ۱۳۸۹: ۱۶۷-۱۷۳).

کتاب‌نامه

- احمد نعیم، عبدالله (۱۳۸۱)، *نواندیشی دینی و حقوق بشر*، ترجمه حسنعلی نوریها، تهران: فرهنگ و اندیشه.
- انصاری، باقر (۱۳۹۲)، «مفهوم و ماهیت حقوق جمعی»، فصل‌نامه تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- بسته‌نگار، محمد (۱۳۸۰)، *حقوق بشر از منظر اندیشمندان*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بطحائی گلپایگانی، سیدهاشم (۱۳۷۱)، *حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب*، تهران: دهخدا.
- بیات کمیتیگی، مهناز (۱۳۹۰)، *مطالعه نظری نسبت حقوق فردی و مصالح جمعی*، رساله دکتری حقوق عمومی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- تاموشات، کریستین (۱۳۸۶)، *حقوق بشر*، ترجمه و نگارش حسین شریفی طرازکوهی، تهران: میزان.
- تسخیری، محمدعلی (۱۹۹۷)، *حقوق بشر از دیدگاه اعلامیه جهانی و اعلامیه اسلامی حقوق بشر*، ترجمه عربی و انگلیسی، تهران: نشر سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۰)، *تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو بر یکدیگر*، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
- جعفری تبریزی، محمدتقی (بی‌تا)، *مقدمه‌ای بر اعلامیه جهانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵)، *فلسفه حقوق بشر*، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵)، *حق و تکلیف در اسلام*، تحقیق مصطفی خلیلی، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ الف)، *سلسله‌بج‌های فلسفه دین: فلسفه حقوق بشر*، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ ب)، *تفسیر موضوعی قرآن کریم: جامعه در قرآن*، قم: اسراء.
- جونز، پیتر (۱۳۸۷)، *حقوق*، ترجمه سیدرضا حسینی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- حقوق بشر از دیدگاه اسلام: آرای دانشمندان ایرانی* (۱۳۷۹)، تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، نشر الهدی.
- راسخ، محمد (۱۳۸۴)، «تئوری حق و حقوق بشر بین‌الملل»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۴۱.
- صرامی، سیف‌الله (۱۳۸۵)، *حق، حکم و تکلیف*: گفت‌وگو با جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه، به‌کوشش سیف‌الله صرامی، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۲)، *حقوق بشر در جهان معاصر*، ج ۱، تهران: شهر دانش.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۸)، *حقوق بشر در جهان معاصر*، ج ۲، تهران: شهر دانش.
- قربانی، زین‌العابدین (۱۳۳۸)، *اسلام و حقوق بشر*، تهران: کتاب‌خانه صدر.
- کدیور، محسن (۱۳۸۷)، *حق‌الناس، اسلام و حقوق بشر*، تهران: کویر.
- کمیسیون حقوق بشر اسلامی (۱۳۸۸-۱۳۸۹)، *جایگاه تکالیف فردی در نظام بین‌المللی حقوق بشر*، بولتن تخصصی سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بشر، ج ۷.
- گلزاده غفوری، علی (۱۳۴۲)، *اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- لاسکس، هارولد ژ. (۱۳۸۲)، *سیر آزادی در اروپا*، ترجمه رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای، تهران: مجید.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۸۱)، *تقدی بر قرائت رسمی از دین*، تهران: طرح نو.
- مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی حقوق بشر و گفت‌وگوی تمدن‌ها (۱۳۸۰)، قم: دانشگاه مفید.
- مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر، مبانی نظری حقوق بشر (۱۳۸۴)، قم: دانشگاه مفید.
- مرادی، صادق (۱۳۸۰)، *نگرشی بر اعلامیه جهانی حقوق بشر و حقوق اسلام*، تهران: سالار.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰)، *نظریه حقوقی اسلام*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸)، *نگاهی گذرا به حقوق بشر*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، سیدمرتضی (۱۳۹۰)، *مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی؛ جامعه و تاریخ*، تهران: صدرا.
- مظفری، محمدحسین (۱۳۸۸)، *کشورهای اسلامی و حقوق بشر*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

- منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۷۴)، *سیر تحول حقوق بشر و بررسی تطبیقی آن با اصول تفسیری حقوق بشر در اسلام*، تهران: تابان.
- مهرپور، حسین (۱۳۷۴)، *حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مؤسسه اطلاعات.
- میرموسوی، علی (۱۳۸۱)، *مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب*، تهران: مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر.
- نبویان، سید محمود (۱۳۸۸)، *حق و چهار پرسش بنیادین*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- نبویان، سید محمود (۱۳۹۰)، *تاریخچه و مفهوم حق*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- نمائی، غلامرضا (۱۳۴۷)، *اعلامیه‌های حقوق بشر اسلامی - جهانی*، مشهد: بورس کتاب مشهد.
- همایش اندیشمندان ایران و اتریش (۱۳۷۸ / ۱۹۹۹)، «گفت‌وگو: مسائل اساسی نظام هم‌زیستی عادلانه از دیدگاه اندیشمندان مسلمان و مسیحی؛ ارزش‌ها، حقوق، و وظایف»، ویراسته اکبر قنبری، آندریاس بشته، امیر اکرمی، تهران: الهدی.

- Breslin, Beau (2004), *The Communitarian Constitution*, The Johns Hopkins University Press.
- Casls, Neus Torbisco (2006), *Group Rights as Human Rights, A Liberal Approach to Multiculturalism*, Springer.
- Charvet, John and Elisa Kaczynska-Nay (2008), *Liberal Project and Human Rights*, Cambridge University Press.
- Donnelly, Jack (1989), *Universal Human Rights in Theory and Practice*, Cornell University Press.
- Donnelly, Jack (2001), "The Universal Declaration Model of Human Rights: A Liberal Defense", *Human Rights Working Papers*:
<<http://www.du.edu/HumanRights/Workingpapers/papers/12-Donnelly-02-01.pdf>>.
- Edmundson, William A. (2004), *An Introduction to Rights*, Cambridge University Press.
- Haidar, Hamid Hadji (2008), *Islam and Liberalism*, Palgrave.
- Kymlika, Will (1995), *Multicultural Citizenship, A Liberal Theory of Minority Rights*, Oxford: Clarendon Press.
- Madiot, Yves (1991), *Droits de l'homme*, Paris, Masson.
- Martin, Rex (1993), *A System of Rights*, Oxford University Press.
- Mitnick, Eric J. (2006), *Rights, Groups, and Self-Invention*, Group-Differentiated Rights in Liberal Theory, Ashgate.
- Ramcharan, Bertrand G. (2008), *Contemporary Human Rights Ideas*, London: Routledge.
- Raz, Joseph (1986), *The Morality of Freedom*, Oxford University Press.
- Salamon, Margot E. (2007), *Global Responsibility for Human Rights*, Oxford University Press.
- Spicker, Paul (2006), *Liberty, Equality, Fraternity*, UK: The Policy Press.

رشته حقوق بشر در ایران از منظر نسبت آن با اندیشه‌های اسلامی ... ۱۳۳

Summer, L. W. (1989), *The Moral Foundations of Rights*, Oxford: Clarendon Press.

Waldron, Jeremy (1993), "Liberal Rights", *Collected Papers 1981- 1991*, Cambridge University Press.

Waldron, Jeremy (1996), "The Philosophy of Rights", in: *An Encyclopedia of Philosophy*, G. H. R. Parkinson (ed.), London: Routledge.

Wellman, Carl (1995), *Real Rights*, Oxford University Press.

Wellman, Carl (1999), *The Proliferation of Rights*, Westview Press.

